نام کتاب: شرح دعای صنمی قریش (ترجمه)
مولف متن: مروی عنه: حضرت علی علیه السلام
شارح: مترجم:
تاریخ تحریر: ۱۲۵۸ ق نوع خط: نستعلیق تعداد سطر: ۱۵
نام کاتب: محسن علی
موضوع: ادعیه زبان: فارسی عدد اوراق: ۶ تا ۱۲
طول: ۲۳ عرض: ۱۶ شماره عمومی: ۳۴۲۸۷
وقفی / خریداری: تاریخ وقف:
ملاحظات: صحیح مصدر به دعای عدیله است
که ... شماره فهرست شود

و تجدد الغافلک ...
کرد از ابدان رحمت بر عالمیان تا تمامی امت متابعت اوامر و اجتناب از نواهی آنحضرت کنند
پس هرگاه از احکام آنحضرت اباکردند پس انکار نعمت الهی کردند و عقیاً از رسولک و عصیان
رسول عبارت ... حدیث من اطاعک فقد اطاعنی و من عصاک فقد عصانی

الْقَبْرِ عِنْدَ مَسْئَلَةِ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ بِرَحْمَتِكَ يَا
قبر نزد سوال منکر و نکیر برحمت خود ای
اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ
رحم کننده ترین رحم کنندگان و رحمت کند خدا بر بهترین خلق خویش محمد
وَآلِهِ اَجْمَعِينَ
و آل او همه تمامتر

تمت تمام شد نسخه الدعا مسمی عدیله از خط محسن علی عفی الله عنه در بیت السلطنت لکنو
بتاریخ ۱۲ شهر ربیع الثانی روز پنجشنبه وقت ۳ پهر سنه ۱۲۵۸ هجری

القیش عـ...

تبرمن بزد...

ارحم الر...

رحم کننده ترین رحم کنندگان و رحمت کند خدا بر بهترین خلق خویش محمد

والِهِ اجمعین

وآل او همه تمامتر

تمت تمام شد این الدعا مسمی عدیله از خط محسن علی علی الله عنه در بیت السلطنت لکهنو
بتاریخ ۲ شهر ربیع الثانی روز پنجشنبه وقت ۳ ساعت سنه ۱۲ [illegible]

ترجمه دعای صنمی قریش بطریق شرح

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد وآل محمد والعن صنمی قریش وجبتیها وطاغوتیها وافکیها جبت و
طاغوت دو بت [illegible] کفار آنها را می پرستیدند چنانچه کفار متابعت آنها میکردند همچنین منافقین متابعت
امر اینها میکردند وابنتیهما الذین خالفا امرک اشاره است بسوی قول خدا یا ایها الذین امنوا
اطیعوا الله واطیعوا الرسول واینان مخالفت کردند خدا و رسول را در وصی رسول بعد از آنکه
شنیده بودند از حضرت رسول نص خلافت آنحضرت و منع کردند آنحضرت را از حق او صلی الله
علیه وآله وانکرا وحییک اشاره است بسوی این آیت یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک
من ربک وان لم تفعل فما بلغت رسالته یعنی ای رسول برسان به کافه خلقان جمیع آنچه فرود
فرستاده شده بتو از نزد پروردگار تو از نصب امیر المؤمنین بخلافت واگر نرسانی تمام آنرا پس
تبلیغ نکرده پیغامهای اورا واینان انکار این وحی نمودند از بیعت خلافت آنحضرت برگشتند
وجحدا انعامک مراد از نعمت بعثت حضرت رسول است که حق تعالی آنحضرت را مبعوث
کرد از برای رحمت بر عالمیان تا تمامی امت متابعت اوامر و اجتناب نواهی آنحضرت کنند
پس هرگاه از احکام آنحضرت ابا کردند پس انکار نعمتهای الهی کردند وعصیا رسولک وعصیان
رسول عبارت از این حدیث من اطاعک فقد اطاعنی ومن عصاک فقد عصانی

[illegible]

یعنی هر که ترا اطاعت کرد مرا اطاعت کرد و هر که ترا عصیان نمود مرا عصیان کرد پس عصیان آنحضرت ع
عصیان حضرت رسالت ص است وَقَلَّبَا دِینَکَ تقلب دین عبارتست از چیزهای بسیار که
تغییر دادند از دین خدا از آنجمله است تحریم متعه و غیر آن وَحَرَّفَا کِتَابَکَ اشارتست بآنکه
حمل کردند قرآن را بر خلاف مراد شارع و ترک اوامر و نواهی الهی وَاَحَبَّا اَعْدَائَکَ محبت
دشمنان اشارتست بسوی بنی امیه که آنها را دوست داشتند و بر بنی هاشم اختیار کردند
وَجَحَدَا آلاءَکَ انکار کردن ایشان نعمتهای الهی گذشت در معنی جحد انعامک وَعَطَّلا
اَحْکَامَکَ تعطیل کردن ایشان احکام الهی را عبارتست از معطل گذاشتن فرایض خدا را از
بجا آوردن و جاری ساختن وَاَبْطَلا فَرَائِضَکَ ابطال فرایض عبارتست از اینکه روایت
کرده شد که حضرت رسالت ص در شب معراج بر بلاد اعلی نوشته دید انی افترضت محبة علی
علی امتک یعنی فرض کرده ام من محبت علی را بر امت تو پس ایشان تغییر کردند این فرض
را و بعوض محبت عداوت آنحضرت کردند تا بحدی که آنحضرت را تا هزار ماه بر روس منابر
سب کردند وَاَلْحَدَا فِی آیَاتِکَ مراد از آیات ائمه هدی اند ع که آیات الهیه و
حجج الهیه اند بر خلق و الحاد بمعنی شرک آمده که با ائمه هدی ع شرک ورزیدند و دیگران را
در امامت شریک ساختند وَعَادَیَا اَوْلِیَاءَکَ وَوَالَیَا اَعْدَاءَکَ گذشت در معنی
احبا اعدائک وَخَرَّبَا بِلادَکَ وَاَفْسَدَا عِبَادَکَ و تخریب بلاد و افساد عباد عبارتست

از اینها

از آنکه تمهید کردند قواعد مفضول بر فاضل که گفتند تقدیم مفضول بر فاضل درست است با لازم است با
وجود دانشمند مانند مرتضی علی ع بودند چگونه خلافت مفضول که دیگران بودند درست باشد
الموده بِنْتَیْهِمَا وَاَتْبَاعِهِمَا وَاَوْلِیَائِهِمَا وَاَشْیَاعِهِمَا وَمُوَالِیهِمَا
فَقَدْ اَخْرَبَا بَیْتَ النُّبُوَّةِ خراب کردن بیت نبوت اشارتست بسوی افعال ایشان که با اهل بیت
حضرت ص و فاطمه ع کردند از ایذا و آزار و اضرار و آتش کشیدن در خانه آنحضرت ع و بر آوردن
آنحضرت از خانه بزور و رسن در گلوی مبارک بسته کشیدن تا مسجد برای بیعت گرفتن و در
را بر حضرت فاطمه ع فشردن بحدی که اسقاط محسن شد و از همان ضرب آنحضرت شهید شدن و
وصیت کرد حضرت امیر المؤمنین ع را که در شب آنحضرت را دفن نمایند تا آنها بر جنازه
نعش آنحضرت حاضر نشوند و غیر این از مناکیر و قبایح ایشان که غیر محصورست وَرَدَ
مَا بَابَهُ وَنَقَضَا سَقْفَهُ وَاَلْحَقَا سَمَاءَهُ بِاَرْضِهِ وَعَالِیَهُ بِسَافِلِهِ وَظَاهِرَهُ بِبَاطِنِهِ وَاسْتَأْصَلا
اَهْلَهُ و این همه فقره های متکثر اشارتست بسوی کمال افراط و تفریط و فساد ایشان نسبت
باهل بیت پیغمبر ص که کردند از ایذا و اضرار و اهانت یعنی در خانه نبوت بتمامی خلل و زلل
انداختند که بالا را به پائین و پائین را ببالا و ظاهر را بباطن و باطن را بظاهر بر هم زدند
وَاَبَادَا اَنْصَارَهُ اشارتست بسوی آنکه اتباع آنحضرت امیر را خفتها رسانیدند
و آزار بسیار کردند وَقَتَلا اَطْفَالَهُ چنانچه محسن را از ضرب جنه سقط کردند که از آن ضرب

شهید شد و از همان ضرب حضرت فاطمه ع شهید شد و در اصل بنای شهادت حضرت امام حسن و امام
حسین در همان روز گذاشتند چنانچه از حضرت امام محمد باقر ع مروی است ما اهریقت محجمة دم
الا کان ... فی اعناقهما الی یوم القیامة من غیر ان ینتقص من وزر العاملین یعنی
ریخته نشد هیچ شیشه خون مگر آنکه گناه آن در گردن آنهر دو است و از گناه قاتلان هیچ کم نمی شود
و نیز آنحضرت ع فرموده ان الحسین اصیب فی یوم السقیفة یعنی بدرستیکه حسین مصیبت
زده شد در روز سقیفه چه هرگاه خلافت را از آن حضرت بر آورده بدیگران دادند
پس بنای قتل امام حسین ع از همان روز گذاشتند پس گویا امام حسین ع از همان روز
مقتول شد و باعث قتل آنحضرت غاصبان خلافت شدند پس گناه قتل در گردن
آنها باشد بی آنکه از گناه قاتلان کم شود و اخلیا منبره من وصیه و وارث علمه منبر
حضرت رسول را خالی حضرت امیر مرتبه از وصی رسول که حضرت امیر بعد خالی
کردند و خود بر آن آمدند و جحدا امامته انکار امامت صریح است احتیاج شرح
ندارد و اشرک بربهما و شرک ورزیدن با پروردگار صریح است انکار امامت
انکار رسالت است و انکار رسالت انکار الوهیت است فعظم ذنبهما و خلدهما
فی سقر و ما ادراک ما سقر لا تبقی و لا تذر لواحة للبشر اللهم العنهما
بعدد کل منکر اتوه و منکرات که آوردند و برپا کردند زیاد از آنست که در شمار آید

ازانجمله این

ازانجمله اینست که منکر فقها کرد و در حدود شغناد قضیه تا شرد ع که تفصیل آن در کتب سیر است و حقاً اخفوه اشاره
است بآنکه نص حضرت رسول ص را که در روز غدیر بر خلافت آنحضرت کوش فرموده بودند آنرا بعد اشتر استند
رسول ص از مردم پوشیدند و بر خلاف آن احادیث موضوعه موافق مدعای خود
و حق مخفی عبارتست از علی ع و احادیث که در باره آنحضرت حضرت رسول ص نص فرموده بود در روز غدیر
و روز خیبر و حدیث طایر و آیه انما ولیکم الله و رسوله تا آخر و آیه نجم و سوره هل اتی و غیر آن بسیار
است و منبر علوه اشاره است بسوی منبر حضرت رسول ص که بمقام الیشان کشیدن حضرت
رسول ص بعد ایشان بر آن بر آمدند و مؤمن ارجوه اشاره است بسوی اصحاب حضرت امیر مثل
سلمان و مقداد و عمار و ابی ذر با وجود آنکه حضرت رسول ص بر همه اصحاب کبار را دوستان ایشان را
بر همه کس مقدم و دوست میداشت و منافق ولّوه اشاره است بسوی معاویه و عمرو عاص و مغیره
بن شعبه و ولید بن عتبه و عبدالله بن ابی سرح و نعمان بن بشیر و غیر ایشان و طریدا آووه اشاره
است بسوی علی و طریدا آووه اشاره است بسوی مروان و حکم ابن العاص که مطرود نبی بود و ایشان
را از مدینه بدر زده بود خاین در وقت خلافت خود باز ایشان را بمدینه آورده وزیر خود ساخت
و صادق طردوه اشاره است بسوی ابی ذر که خاینان ایشان را از مدینه بر آورده بسوی ربذه
فرستاد و کافر نصروه اشاره است بسوی هر کس که خذلان امیر ع خواست و از آنحضرت و نا...
ظلموه و امامه ... را و از امام بنص نفس آنحضرت است که بر آن قهر و انواع ظلم کردند از انجمله آنست

خلافت و دیگر حقوق آنحضرت را که خدا و رسول صلعم مقرر کرده بودند بظلم و عدوان غصب کردند و فرض
غیروه و تغییر دادن فرایض الهی بسیار است از آنجمله امامت و ولایت آنحضرت را که از جانب
خدا و رسول به تمامی خلق فرض بود انرا تغییر دادند و خلاف فرموده خدا و رسول بعمل آوردند و اثر
انکروه اشاره است بسوی وصایای حضرت رسول صلعم که حضرت امیر را فرموده انت منی بمنزلة
هارون من موسی یعنی تو از من بمنزله هارون از موسی هستی چنانچه هارون خلیفه موسی بود همچنان حضرت
امیر خلیفه حضرت رسول اند و ایشان انکار این وصیت کرده امر خلافت را تغییر دادند و شر
آثروه اشاره است بسوی انکه دیگری را برای خلافت بر حضرت امیر ع اختیار کردند و متروک
مجهول را بر خیر با خود برگزیدند با وجود انکه حضرت رسول فرموده علی خیر البشر من ابی فقد کفر
و دم اراقوه اشاره است بسوی خون ناحق که از علویان بسیار ریختند و خبر بدلوه احادیث
که بدل کردند بسیار است از آنجمله این است که از خود حدیث وضع کردند که ابوبکر و عمر واضع غافل
و بس جاهل بودند از انکه پیر در بهشت نمی باشد سیدا کهول اهل الجنة و کفر نصبوه کفر منصوب
اشاره است بسوی انکه حضرت رسول صلعم امیر المؤمنین ع را بخلافت نصب کرد و بجای آنحضرت ایشان
دیگری را نصب کردند و حیل ابتدعوه و لعن کن ایشان را در برابر نقصانی که بر روی کار آوردند
یعنی نقصان مالی و جانی باهلبیت رسانیدند تا هزاران هزار کس از دین حق تخلف ورزیده مستحق
جهنم شدند و ارث غصبوه ارث مغصوب اشاره است بسوی فدک و خمس آل محمد که غصب کردند

خلایق

امر شده

و فیء قطعوه نیز اشاره است بسوی فدک و سحت اکلوه اشاره است بسوی تصرفات ایشان در بیت المال
مسلمین کردند و از محصولات فدک بتصرف در آوردند و خمس استحلوه اشاره است بسوی خمس که حق
تدارکه لعدم زکوة خمس را بر بنی هاشم حلال کرد و ایشان بنی هاشم را از خمس منع کردند و بدیگران دادند
و باطل اسسوه اشاره است بسوی احکام باطل که در حضور خود مقرر کردند و برای دیگر
ماندند و شدند و خواندند تا قیامت بنیان انرا گذاشتند و جور بسطوه اشاره است بسوی ظلمهای بسیار
که بعمل آوردند و نفاق اسروه اشاره است بسوی انکه معنی رسول خدا حضرت امیر را بخلافت در روز
غدیر نصب فرموده ایشان گفتند که ما راضی نیستیم که نبوت و خلافت در یک خانه باشد و این مقدمه
را بخاطر خودها مخفی داشتند و غصب خلافت کردند و غدر اضمروه نیز اشاره است بسوی فریبها
و نفاقهای پوشیده ایشان چنانچه حضرت امیر المؤمنین ع فرموده والذی فلق الحبة و برا النسمة ما
اسلموا و لکن استسلموا و اسروا الکفر فلما رأوا اعوانا علیه اظهروه یعنی قسم بان خدائی که
شکافت دانه را و پیدا کرد آدمی را اسلام نیاوردند و لکن طلب سلامتی کردند از اظهار کفر
تا از قتل و غارت محفوظ مانند و پنهان داشتند کفر را هرگاه یاوران خود را یافتند اظهار
کردند انچه در دل داشتند و ظلم نشروه اشاره است بسوی ظلمهای ایشان که بسیار از بسیار
است نمیتوانند در تحریر در امد از آنجمله غصب خلافت است و وعد اخلفوه اشاره است
بسوی انکه در حین حیات حضرت رسول ولایت حضرت امیر را با حضرت رسول وعده

کردند و با آنحضرت بیعت کردند و بعد از وفات حضرت رسول بیعت را شکستند و وفا بعهد نکردند

و امانةٍ خانوه اشاره است بسوی امانت ولایت اهل بیت که بر تمامی عالم بار کردند و ایشان آن

خیانت کردند و عهدٍ نقضوه اشاره است بسوی آنکه در روز غدیر با حضرت

رسول عهد بیعت حضرت امیر کردند و بعد از وفات آنحضرت نقض عهد کردند و دوستی را

بدشمنی بدل کردند و حلالٍ حرّموه اشاره است بسوی متعه که در زمان با برکات حضرت

رسول صلعم حلال بود ایشان حرام کردند و حرامٍ أحلّوه اشاره است بسوی آنکه بوزینه حرام

بود ایشان حلال کردند و بطنٍ فتقوه اشاره است بسوی حضرت عمار که انرا خانین تا

بحدی بر شکم زدند که ببلای فتق مبتلا شد و امامٍ خالفوه اشاره است بسوی حضرت

امیر المؤمنین علیه السلام که در هر امر مخالفت آنحضرت کردند و جنینٍ أسقطوه اشاره است بسوی

محسن که از شکم مبارک حضرت خاتون بضرب قنفذ غلام منکر و ملعون سقط شد و ضلعٍ

دقّوه اشاره است بسوی آنکه منافقان بعد از وفات حضرت رسول صلعم خلافت را

از حضرت امیر علیه السلام غصب کرده بنفاق مقرر کردند و از حضرت امیر المؤمنین عم خواستند که بیعت

گیرند آنحضرت ابا کرد خواستند که آنحضرت را بزور از خانه ولایت برآرند حضرت فاطمه علیها السلام

حد آمده مانع شدند ملاعین در را بر آنحضرت فشار دادند که ضلع مبارک آنحضرت شکسته شد

و محسن سقط شد و از همین ضرب آنحضرت علیها السلام شهید شد و صکٍّ مزّقوه اشاره است

بسوی

بسوی خطی که حضرت رسول در وقت بخشیدن فدک بحضرت فاطمه علیها السلام بدستخط مبارک خود

نوشته بودند و اهل نفاق در وقت حکومت خود فدک را از قبض و تصرف حضرت

برآورده خود متصرف شدند و چون حضرت در وقت دعوی آن

آنرا پاره کرده و آب دهان ناپاک خود بر آن انداخت و شملٍ بدّدوه اشاره است

بسوی آنکه شمل اهل بیت متشتت ساختند و تشتت انداختند در تاویل و تنزیل آیات

منزله را بر ولایت باطله حمل کردند و عزیزٍ أذلّوه و ذلیلٍ أعزّوه و اعزاز ذلیل

و اذلال عزیز ظاهر المعنی است که ایشان را بسبب کفر و نفاق بحضور حضرت رسول صلعم ذلیل و خوار

بودند بعد از وفات آنحضرت صلعم در ایام حکومت خود عزیز و مکرم ساختند و حکومتهای بلاد

و ولایت عباد در قبضه اقتدار ایشان گذاشتند و سادات منداتی که در جناب اقدس حضرت

رسول صلعم معزز و مکرم بودند در وقت خود ایشان را ذلیل گردانیدند و حقٍّ منعوه و منع

نمودن از حق ظاهر است و از حد حصر متجاوز است چنانچه اهل بیت را از حقوق ایشان که

رسول صلعم مقرر کرده بودند منع کردند و کذبٍ دلّسوه و بیان این در معنی خبر بوده گذشت

و حکمٍ قلبوه بیان این در معنی حرف الکاف گذشت اللهم العنهم بکل آیةٍ حرّفوها بیان این

نیز در معنی حرف الکاف گذشت و فریضةٍ ترکوها اشاره است بآنکه موالات اهل بیت علیهم السلام

بموجب آیه کریمه قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی یعنی بگو ای محمد صلعم رسول بحکم از

قطعوها

تا بر رسالت مزدی مگر آنکه دوستی کنید در ذوی القربی یعنی من اصحاب پرسیدند که قرابت تو کیست که
خدا تعالی دوستی ایشان مزد رسالت گردانیده و بر خلایق فرض کرده فرمودند که علی و فاطمه و حسن و
حسین ... آن دوستی را بدشمنی بدل کردند و سنتهای غیروها تغیر دادن سنت بسیار است از آن
که در حصر در آید و رسوم متغیروها اشارت است بسوی فی و خمس که از آل محمد منع کردند و احکام
عطلوها تعطیل احکام الهی گذشت در بیان عطل احکامک و بیعته نکثوها اشاره است بسوی
آنکه بیعت خلافت آنحضرت را که در روز غدیر بنابر فرموده خدا و رسول کرده بودند شکستند و طلحه
و زبیر بعد کشته شدن خلیفه بحضرت امیر المومنین علیه السلام بیعت کردند و چون امارت بصره و کوفه
خواستند و آنحضرت ع ندادند بیعت آنحضرت را شکستند و عایشه را بمحمل حج از خانه برآورده
از آنحضرت جنگ و جدل کردند چنانچه از کتب تواریخ معلوم میشود و دعوی ابطلوها اشاره است
بسوی آنکه دعوی خلافت آنحضرت را باطل کرده بخلافت خود برداشتند و بینته انکروها
اشاره است بانکه چون فدک را از حضرت فاطمه ع غصب کردند و آنحضرت ع دعوی کرده حضرت
امیر المومنین و حضرت حسنین ع و ام ایمن را گواه آوردند که حضرت رسول ص فدک را
بما بخشیده و ایشان شهادت معصومین انکار کرده قبول نکردند و حیلته احدثوها اشاره
است بسوی آنکه در وقتی که حضرت امیر ع از بیعت خلیفه انکار کردند ایشان اتفاق کردند تا
جمعی بر حضرت امیر ع گواهی دروغ بدهند که آنحضرت مرتکب گناه کبیره شده تا بحیله گردن

الطون

۱۱

نقضوها

بر آنحضرت ... و ایمان جحدوها اشارت است بقسمهای که در بیعت حضرت امیر المومنین ع
کرده بودند و باز شکستند و انکار آن قسمها کردند و خیانته اوردوها اشارت است بسوی
آنکه در روز سقیفه بعد از وفات حضرت رسول ص هرگاه که ذکر مذکور خلافت در میان صحابه
آمد و انصار احادیث فضایل و خلافت حضرت امیر المومنین ع بر روش استشهاد خواندند
و گفتند که امیر المومنین ع بموجب نص خدا و رسول اولی است بخلافت از و بکر نفاق تصدیق
گفته انصار کرد و گفت که بعد از نصب امیر المومنین ع بخلافت حضرت رسول ص نسخ کرد و گفت
که ما اهل بیت نبوتیم خدا تعالی ما را به نبوت گرامی داشته جمع نمیکند برای ما در میان
نبوت و امامت و گفته نفاق را منکر تصدیق کرد و گفت که حضرت رسول ص بحضور ما
این حدیث را فرموده و سه صحابه گمان کردند که اظهار ایشان حق است پس انصار و تمامی امت
را در شبهه انداخته باطل را بصورت حق نمودند و امانته خانوها دال امامت حق ولایت
حضرت امیر المومنین است ع که خیانت کرده خود متصرف شدند و عقبته ارتقوها اشارت
است بسوی اصحاب عقبه که عتبه بن ابو سفیان و ابو الاعور اسلمی و مغیره بن شعبه و سعد بن
ابی وقاص و ابو قتاده و عمرو بن العاص و ابو موسی اشعری اتفاق کردند در غزوه تبوک
بر بلندی کوه که زیاده از یک شخص بر آن راه نبود که از آن می توان گذشت و در پائین آن کوه غاری
عمیق بوده است بمقدار هزار نیزه هر که در آن می افتاد هلاک میشد و این غزوه در ایام گرما

ست که حضرت رسول صلعم با سایر صحابه در آن سفر از خوف گرمی در شب راه میرفتند و ایشان از پوست
لیطه‌های بزرگ ساختند و از سنگ و خشت پر کردند و قرار داده‌اند که هرگاه رسول خدا صلعم در
بلندی کوه دران راه تنگ تشریف آورد دبابه‌ها را سر دهند که اشتر سواری
آنحضرت از آواز دبابه‌ها رم کند و در غار بیفتد تا آنحضرت هلاک شود حضرت جبرئیل
حضرت رسول صلعم را از مکر و دغل و منصوبه‌های ایشان خبر داده و وقتی که حضرت رسول صلعم در وقت شب
دران راه تنگ تشریف آورد برق در آسمان ظاهر شد که از روشنی آنحضرت رسول صلعم دبابه‌ها و
اصحاب دبابه را به چشم نورانی دیده مهار ناقه را حذیفه الیمان گرفته بود و اصحاب دیگر از عقب
ناقه خبردار بودند که در وقت سر دادن دبابه حق تعالی ناقه را از رم شدن محفوظ داشت
و حضرت رسول را در حمایت خود از آن جای مهلک بسلامت گذرانید و لطف همین اشاره
فرموده باین قول وَدِبَابٍ دَحْرَجُوهَا وَأَزْيَافٍ لَزِمُوهَا ازیاف جمع زیف است
آن درم ردی غیر مسکوک را گویند که از آن هیچ نفع نمی‌تواند گرفت تشبیه فرموده آنحضرت
افعال ردیه و اقوال شنیعه ایشان را بدراهم ردیه یعنی چنانچه از دراهم ردیه که اگرچه
بصورت ظاهر زر است اما قابل انتفاع نیست همچنین افعال و اقوال ایشان که اگرچه
بحسب ظاهر بصورت زر مینمایند اما بباطن حالت فاسد و باطل اند وَشَهَادَاتٍ كَتَمُوهَا
اشاره است بسوی فضایل و مناقب حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه که از جمله

متجاوز است در ربیع انهار ایشان بپوشانیدند از نظر مردم تا میل بسوی آنحضرت نه نمایند و
وَوَصِيَّةٍ بَدَّلُوهَا وَأُمُورٍ ضَيَّعُوهَا اشاره است بسوی وصیت که حضرت رسول
علیه و آله و سلم که درباره تمسک باهل بیت علیهم السلام فرموده‌اند و آن
اینست که فرموده انی تارک فیکم الثقلین و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض ما ان تمسکتم
بهما لن تضلوا ابداً یعنی من در میان شما دو چیز بزرگ میگذارم و این هر دو از خود جدا
نمی‌شوند تا وارد شوند بر من بر حوض کوثر مادامیکه تمسک بآن هر دو کنید گمراه نشوید بعد
از من اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمَا فِي مَكْنُونِ السِّرِّ وَظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ لَعْناً كَثِيراً أَبَداً دَائِماً دَائِباً سَرْمَداً
لَا انْقِطَاعَ لِأَمَدِهِ وَلَا نَفَادَ لِعَدَدِهِ لَعْناً يَعُودُ أَوَّلُهُ وَلَا يَرُوحُ آخِرُهُ لَهُمْ وَلِأَعْوَانِهِمْ وَ
أَنْصَارِهِمْ وَمُحِبِّيهِمْ وَمُوَالِيهِمْ وَالْمُسَلِّمِينَ لَهُمْ وَالْمَائِلِينَ إِلَيْهِمْ وَالنَّاهِقِينَ بِاحْتِجَاجِهِمْ
وَالْمُحْتَجِّينَ بِاحْتِجَاجِهِمْ و لعن کن آنها را که پرواز میکنند بآواز انها و الناهقین
باحتجاجهم ناهق آواز کننده مثل خر را گویند چنانچه مثل عرب است ان الحمار ناهق
یعنی خر آواز کننده است و معنی چنین باشد که لعن کن ایشان را که برابر حجتهای
آنها مثل خر آواز میکنند وَالْمُقْتَدِينَ بِكَلَامِهِمْ وَالْمُصَدِّقِينَ بِأَحْكَامِهِمْ ثم قل
أربع مرات اللّٰهُمَّ عَذِّبْهُمْ عَذَاباً يَسْتَغِيثُ مِنْهُ أَهْلُ النَّارِ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى
اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ قد کتبه محسن علی ... بتاریخ ... شهر جمادی الاولی

لا يعود
والناهقين باحتجاجهم
الناهقين باحتجاجهم

سنه ۱۲۵۸ هجری یوم دوشنبه قریب دو پهر در دار السلطنت لکنئو بر من خوانده ... زانکه من بنده گنهکارم

نوشته بماند سیه بر سفید
نویسنده را نیست فردا امید

هر گاه در دو رکعت اخیر
از نماز چهار رکعتی از راه سهو اول
تسبیح اربعه خوانده سوره حمد را نیز خوانده
تا در صحت نماز او حرفی نیست مگر بعد فراغ سلام
دو سجده سهو باید بجا آورده تا نماز مقبول بجا آرد
با سبحانه عز شریح بجا آورده نشود پس همچو نمازها مغشوش اند ای دوم
نماز او از معفونت ترک نماز بری میگردد و نماز مقبول درجات
بعطا می افزاید والسلام علی من اتبع الهدی

حضرت امیر المومنین علیه السلام بحضرت امام حسن علیه السلام وصیت فرموده اند که هر چند مومنی وفات کند
دعا نوشته در سینه او گذارند از عذاب قبر و از سوال منکر و نکیر خلاص شود و در امن باشد
از قرض عاجز باشد روز دوشنبه بهمان نیت بخواند ۳ مرتبه قرض ادا شود اگر زن را وضع
حمل دشوار باشد این دعا را بر نیت او بنویسند فرزند را بیدرد آسان کرده و خواننده این دعا از
جمیع آفات در محفوظ بماند دعا این است بسم الله الرحمن الرحیم سبحانک انت الله العزیز
الجبار سبحانک انت الله الملک الغفار سبحانک انت الله الکریم الستار سبحانک انت
الله الواحد القهار سبحانک انت الله یا عالم السر والخفیات و یا غافر الذنب و
الخطیات و قاضی الحاجات یا سامع الدعوات یا مانع البلیات اللهم احینی
سعیدا وامتنی سعیدا واحشرنی سعیدا فی زمرة الشهداء انی اغفر لی یا ارحم
ستاقی یا عظیم بعظمتک یا کریم بکرمک یا اجود بجودک یا الله یا رحمان
یا رحیم برحمتک یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد و آله اجمعین طبرد روایت صحیح از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که این دعا را در گورستان یکمرتبه بخواند
حق تعالی بیست ساله عذاب از آن گورستان بر دارد و اگر چهار مرتبه بخواند تا روز قیامت
عذاب از آن گورستان نکند و اگر در مقابر والدین بخواند هیچ حق والدین بر گردنش
نماند و اگر پانزده مرتبه یا بیست مرتبه وقت خفتن بخواند چنان باشد که چهار حج کرده

باشد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی فی السماء عزته الحمد لله الذی فی الارض عظمته الحمد لله الذی فی الجنة رضائه الحمد لله الذی فی ... خائه الحمد لله الذی فی البر والبحر سبیله الحمد لله الذی فی جهنم سلطانه الحمد لله الذی لا مفر ولا ملجا الا الیه برحمتک یا ارحم الراحمین ط ودر حدیث صحیح از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که شنوت چیزیست که اگر در برابر مسافر ظاهر شود بلای او شوم است کلاغی که فریاد کند از جانب راست او ویکی آدم را علم کرده باشد ورکی گاو بر دم عقب نشسته باشد دبراو فریاد کنند سر بلند شود ولیت شود واهوی که از جانب راست بیاید وبجانب چپ آد برود وماده الاغی که گوشش بریده باشد پس کسی که از دیدن اینها ترسی بخاطرش بیاید بگوید اعتصمت بک یا رب من شر ما اجد فی نفسی فاعتصمنی من ذلک یعنی این را بگوید ضرری باو نرسد ط شرح مختصر این دعا اینست که هر که این دعا را بخواند ثواب چهل هزار ختم قران وچهل هزار حج وچهل هزار مسجد بنا کردن وچهل هزار بنده آزاد کردن وچهل هزار شب قدر یافتن وهزار قران نوشتن ووقف کردن هر که بخواند یا با خود دارد محبوب خلایق وعقد اللسان حسودان شود حریص نمازی ودیگر خیری توفیق یابد واگر غایب بخواند بوطن برسد واگر نیست فرزند بخواند فرزند روزی شود از استفاد علت ایمن شود ودر خانه که این دعا باشد آتش نگیرد ودیران

شود

شود وبهشت فرشته نگهبان کردند وبر خواننده این دعا وسکرات موت آسان شود وسعید روز قیامت برخیزد وچهار پرش بر بهشت رود بسم الله الرحمن الرحیم

یا سنده یا من الیه المستند اجعل لی فرجا ومخرجا یا رحمان یا رحیم یا خالق یا باری یا رازق یا اول یا آخر یا ظاهر یا باطن یا رباه یا احد یا صمد یا واحد یا غافر یا واسع یا قاهر یا هادی یا کافی یا شاکر یا طاهر یا فرد یا ودود یا جمیل یا شکور یا غفور یا صبور یا جلیل یا وکیل یا کفیل یا حافظ یا حلیم یا رزاق یا قیوم یا سبوح یا قدوس یا علیم یا قوی یا ولی یا علی یا ملی یا وفی یا حی یا مهیمن یا معطی یا مبدی یا معید یا مجیب یا ساتر یا حمید یا مجید یا کبیر یا حبیب یا منیب یا رفیق یا غنی یا قدیر یا خبیر یا بصیر یا سمیع یا رشید یا مستند یا قریب یا واهب یا رباه یا باسط یا حفیظ یا باقی یا خالق یا تواب یا وهاب یا مواهب یا غفار یا جبار یا فتاح یا حنان یا منان یا غفران یا برهان یا سلطان یا سبحان یا امین

يا مؤمن يا مهيمن يا محيط يا متكبّر يا باعث يا وارث يا حقّ يا
مالك يا متصوّر يا رجي يا مرتجى يا عظيم الدرجات يا سامع
الدعاء يا كريم يا عدل يا ملك يا رفيع الدرجات يا ذا العرش
يا ذا الطول يا ذا المعارج يا ذا العظمة يا ارحم الراحمين يا
احسن الخالقين يا احكم الحاكمين يا اسرع الحاسبين يا خير
الرازقين يا خير الغافرين يا خير الناصرين يا فاطر السموات
والارض يا علام الغيوب يا عالم الغيب والشهادة يا
ذا الجلال والاكرام اللهم يا سريع الحسنات يا شديد
العقاب يا غفور يا رحيم يا فالق الصلاح يا مفتح الابواب
ويا مسبب الاسباب يا مجيب الدعوات ويا ولي الحسنات
يا مقيل العثرات يا محيي الاموات يا نور الارض
والسموات يا غافر الخطيات يا ساتر العورات يا مانع
البليات يا قاضي الحاجات اقض حاجتي في هذه الساعة
يا اله الاولين يا اله الاخرين يا بديع السموات والارض
يا ذو الجلال والاكرام الهي قلبي مغلوب وسري محموم
ونف

ونفسي مغلوبي ولساني معروفي يا ستار العيوب يا نور يا ولي
الولا ويا كاشف الضر والبلوى اصرف عني القحط والوباء
بحق محمد المصطفى وعلي المرتضى والائمة الهدى صلوات
الله عليه وعليهم وبحق الم الله لا اله الا هو الحي
القيوم وبحق حم عسق وبحق طه ما انزلنا عليك القرآن
وعنت الوجوه للحي القيوم والى الله تصير الامور
برحمتك يا ارحم الراحمين يا عزيز يا غفار يا ذا الجلال والا
كرام طط طط خواندن از برای احتلام شدن مرد در خواب مفید است اللهم اني اعوذ بك
من الاحتلام ومن ان يتلاعب بي الشيطان في اليقظة و
المنام ططط

قنوت عیدین

بسم الله الرحمن الرحيم

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله صلى الله عليه واله

اشهد ان امير المومنين عليا وليه وخليفته ووصيه وسفينة النجاة وباب الحطة ابو الائمة

الهداة صلوات الله عليهم اللهم اهل الكبرياء والعظمة واهل الجود والجبروت واهل العفو والرحمة

واهل التقوى والمغفرة اسالك بحق هذا اليوم الذي جعلته للمسلمين عيدا ولمحمد صلى الله

عليه واله ذخرا وكرامة وشرفا ومزيدا ان تصلي على محمد وال محمد وان تدخلني في كل خير

ادخلت فيه محمدا وال محمد وان تخرجني من كل سوء اخرجت منه محمدا وال محمد صلواتك

عليه وعليهم اجمعين اللهم اني اسالك خير ما سالك به عبادك الصالحون واعوذ

بك مما استعاذ منه عبادك المخلصون تمت تمام

بسم الله الرحمن الرحيم

حدثنا محمد ابن احمد ابن صالح بن سعيد التميمي عن ابيه قال حدثنا احمد بن هشام قال حدثنا منصور بن مجاهد

عن الربيع بن بدر عن سوار بن منيب عن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه واله ان لله ملكا يقال له

سخائيل ياخذ البراءات للمصلين عند كل صلوة من رب العالمين فاذا اصبح المومنون وقاموا

وتوضؤا وصلوا صلوة الفجر اخذ من الله عز وجل براءة لهم مكتوب فيها انا الله الباقي عبادي وامائي

في حرزي جعلتكم وفي حفظي وتحت كنفي صيرتكم وعزتي وجلالي لا اخذلتكم وانتم مغفور لكم

ذنوبكم الى الظهر فاذا كان وقت الظهر فقاموا وتوضؤا وصلوا اخذ لهم من الله عز وجل البراءة

الثانية مكتوب فيها انا الله القادر عبادي وامائي بدلت سيئاتكم حسنات وغفرت لكم السيئات

واحللتكم برضاي عنكم دار الجلال فاذا كان وقت العصر فقاموا وتوضؤا وصلوا اخذ لهم من الله

عز وجل البراءة الثالثة مكتوب فيها انا الله الجليل جل ذكري وعظم سلطاني عبادي وامائي حرمت

ابدانكم على النار واسكنتكم مساكن الابرار ورفعت عنكم برحمتي شر الاشرار فاذا كان وقت المغرب

فقاموا وتوضؤا وصلوا اخذ لهم من الله عز وجل البراءة الرابعة مكتوب فيها انا الله الجبار الكبير المتعال

عبيدي وامائي صعد ملائكتي من عندكم بالرضاء وحق علي ان ارضيكم واعطيكم يوم القيامة منيتكم فاذا

كان وقت العشاء فقاموا وتوضؤا وصلوا اخذ لهم من الله عز وجل البراءة الخامسة مكتوب فيها اني

انا الله لا اله غيري ولا رب سوائي عبادي وامائي في بيوتكم تطهرتم والى بيوتي مشيتم وفي ذكري

حضرتهم وحق عزتهم ذو الیمین اذ تیمم اشهدک یا اسرافیل وسایر ملائکتی بانی قد رضیت عنهم انتهی.

الفصل التاسع فی الغناء وسماعها وفی الطنبور قال الله تعالی فی سورة لقمان ومن الناس من
یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله بغیر علم ویتخذها هزوا اولئک لهم عذاب الیم
وقال رسول الله ص یحشر صاحب الطنبور یوم القیامة وهو اسود الوجه وبیده طنبور من النار
وفوق راسه سبعون الف ملک بید کل ملک مقمعة یضربون راسه ووجهه ویحشر
صاحب الغناء من قبره اعمی واخرس وابکم ویحشر الزانی مثل ذلک وصاحب المزمار مثل
ذلک وصاحب الدف مثل ذلک روی ابو امامة عن النبی ص انه قال ما رفع احد
صوته بغناء الا بعث الله علیه شیطانین علی منکبیه یضربان باعقابهما علی صدره حتی یمسک
وقال النبی ص الغناء رقیة الزنا انتهی من جامع الاخبار

شریعت رسول ص وائمه هدی سلام الله علیهم نهادیم و بر هشت در ترتیب و مرقوم ساختیم و به ترجمة
الشریعه موسوم گردانیدیم وبالله التوفیق در اول در معنی شریعت و فایده آن و کیفیت سلوک
راه حق و بهشت جاودان بدانکه حق تعالی خلایق را بجهت بندگی و فرمانبرداری آفرید
چنانکه میفرماید ما خلقت الجن والانس الا لیعبدون یعنی نیافریدم پری را و آدمیان را مگر
برای آنکه بندگی کنند مرا و بندگی بجهت آنست که هر کس بکمال لایق بحال خود برسد تا در
عقبی بسعادت عظمی و فردوس اعلی فایز و بر همتای همت خود کامروا باشد چنانکه میفرماید